

بسم الله الرحمن الرحيم

ستمی ناروا بر اشعار میرزا احمد داواشی (سرقت ادبی یا سهل انگاری ادبی؟)

نویسنده: حسین محمدی (داواشی)

چکیده :

متأسفانه در چند سال اخیر تعداد قابل توجهی از اشعار میرزا احمد داواشی به اشتباه در دیوان میرزا لطف الله سعیدی راه یافته و به غلط به نام ایشان چاپ و نشر یافت. این سرقت و یا سهل انگاری ادبی، هرچه بود ستمی ناروا بود در حق اشعار میرزا احمد داواشی و چند سالی است که مایه تکدر خاطر و نگرانی اهل هنر و ادبیات در منطقه جوانرود و روانسر و اورامانات گردیده است. در نتیجه این کار، تماسهای زیادی از شهرهای مختلف با اینجانب انجام شد که مفاد کلی آن اظهار نگرانی از آشفتگی های ادبی و بیان تاسف و تاثر از ستم ادبی بزرگی بود که در حق اشعار مرحوم داواشی روی داد. نادیده گرفتن این موضوع علاوه بر اینکه ضایع شدن مالکیت معنوی میرزا احمد داواشی را در پی خواهد داشت، سبب ایجاد آشفتگی در تحقیقات ادبی و سردرگمی نسل آینده خواهد بود. بر اساس مسائل پیش آمده و پیش بینی مشکلات و آشفتگی های ادبی، اینجانب حسین محمدی داواشی به نمایندگی از خانواده فرهنگی داواشی نسبت به موضوع پیش آمده مراتب اعتراض و نگرانی خود را اعلام و پیگیری هایی انجام شد. مصحح دیوان میرزا لطف الله در پاسخ، عدم اشراف و احاطه خود بر دیوان میرزا احمد داواشی و بی اطلاعی از اشعار ایشان را علت پیش آمدن چنین موضوعی دانستند. در مقاله پیش رو برخی از ابیات مشهور میرزا احمد داواشی که به غلط و سهو در دیوان میرزا لطف الله سعیدی وارد شده با ذکر صفحه جهت تنویر افکار عمومی و رفع شبه بیان خواهد شد.

کلیدواژه:

ادبیات، شعر، دیوان میرزا احمد داواشی، سرقت ادبی، دیوان میرزا لطف الله.

Abstract:

Unfortunately, in the last few years, a significant number of Mirza Ahmad Dawashi's poems were mistakenly found in Mirza Lotfollah Saeedi's Diwan and published under his name. This theft or literary negligence, whatever it was, was an unjust oppression of Mirza Ahmad Davashi's poems, and for several years, it has become a cause of concern and concern for the people of art and literature in Javanrud and Ravansar region. As a result of this work, many calls were made to me from different cities, the general purpose of which was to express concern about literary disturbances and to express regret and impression of the great literary injustice that happened to the late Davashi's poems. Ignoring this issue will result in the loss of the intellectual property of Mirza Ahmad Dawashi, it will cause chaos in literary research and confusion for the future generation. Based on the issues that have arisen and the prediction of problems and literary disturbances, I, Hossein Mohammadi Davashi, on behalf of the Mohammadi Davashi family, have announced my protest and concern regarding the issue and follow-ups have been carried out. The corrector of Diwan Mirza Lotfollah, in response to the lack of nobility and his surroundings on Diwan Mirza Ahmad Dawashi and lack of knowledge of his poems, considered the cause of such an issue. In the following article, some of the famous verses of Mirza Ahmad Dawashi, which were mistakenly entered in Mirza Lotfollah Saeedi's Diwan, will be mentioned with reference to the page to clarify public opinion and clear up suspicions.

Key word:

Literature, poetry, Diwan Mirza Ahmed Dawashi, plagiarism, Diwan Mirza Lotfollah

به منظور شفاف سازی و آگاه نمودن افکار عمومی و راهنمایی پژوهشگرانی که آثار شاعران و نویسندگان را مطالعه یا گردآوری می نمایند و کارهای تحقیقاتی از جمله مقالات را به انجام می رسانند، این مطالب را تهیه نموده ام تا کمکی در این زمینه باشد و کسانی که آثار گذشتگان را جمع آوری می نمایند با دقت بیشتری این کار را انجام دهند و دچار خطا و اشتباه و سرقت ادبی آثار دیگران نشوند. زیرا شاعران و ادیبان مهر و موم های متمادی از عمر و وقت گران بهای خویش را صرف مطالعه و نوشتن کرده و امیدوارند که تلاش آن ها چراغ راه و راهنمای آیندگان باشد و در حقیقت زحمات آن ها را ارج نهند و به نام آن ها ثبت شود و برگی زرین به تاریخ ادبیات ملت و میهن خویش اضافه نمایند بنابراین در این راستا مسئولیت و تعهد ما، در نگهداری شایسته از آن آثار لازم و ضروری به نظر می رسد. متأسفانه در مهر و موم های اخیر به علت سهل انگاری و کم توجهی، بخش زیادی از اشعار میرزا احمد داواشی به اشتباه و سهو در دیوان اشعار میرزا لطف الله سعیدی (میرزای جوانرو) راه یافت که مشکلات و نگرانی هایی را در پی داشت. در این خصوص لازم است جهت روشننگری و تنویر افکار عمومی مطالبی ارائه شود و آن اینکه اشعار میرزا احمد داواشی با توجه به مضامین اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، تاریخی و جغرافیایی همچنین وجود پند و حکمت مناجات های عرفانی و طرح آن به شیوه داستانی و روایی بسیار مورد علاقه اهل فضل و ادب بوده و شاعران معاصر و به ویژه کسانی که از نزدیک با ایشان مکاتبه و مراوده داشته اند آن ها را حفظ می نموده اند. از جمله این افراد میرزا لطف الله سعیدی مشهور به میرزای ساروخان (میرزای جوانرویی) است که به اشعار مرحوم میرزا احمد داواشی بسیار علاقه مند بوده و بسیار تحت تأثیر اشعار او بوده است. این علاقه سبب شده است که میرزا لطف الله بسیاری از اشعار مرحوم داواشی را حفظ نموده و در جلسات شب نشینی آن دوران که شعرخوانی و قصه گویی و نقل حکایات و بیان حوادث زندگی عشایری آن روزگار مرسوم بوده است در کنار خواندن اشعار خود، گاه گاه اشعار میرزا احمد داواشی را که اتفاقاً آن ها را حفظ نموده و در سینه داشت، از بر بخواند.

علاقه مرحوم میرزا لطف الله ساروخان به مرحوم میرزا احمد داواشی هم به تبحر و استادی ایشان در عرصه نظم شعر گورانی برمی گردد و هم اینکه میرزا احمد داواشی حدود بیست سال از میرزا لطف الله سعیدی بزرگ تر بود (میرزا احمد داواشی متولد ۱۲۸۴ هجری شمسی و میرزا لطف الله سعیدی متولد ۱۳۰۴ هجری شمسی است.) و همین امر سبب شده بود که ایشان بسیار زودتر و پیش تر در حوزه شعر و ادب به اشتها برسند. این تقدم زمانی و

هنری و ادبی سبب شد که میرزا احمد داواشی همواره از احترام تقدم فضل و فضل تقدم برخوردار باشد و الحق مرحوم میرزا لطف الله به این فضیلت‌ها همواره معترف بوده‌اند:

وختی که قوربان جا پروینه «که‌ره»	با بکولیتی زامم خه‌ته‌ره
میرزا ئه‌حمه‌دیش پړوانیم وال‌ه‌وی	له‌مه زیاتر مه‌حشهر چوَن ئه‌وی
داخی گرانم بو میرزا ئه‌حمه‌د	حه‌یفه ساکن بوو وه گلکوو ئه‌ل‌حه‌د
گه‌وه‌هر «ئه‌حمه‌د» ی برده ژیری خاک	شوکرانه‌م به توَن فه‌ردی ته‌نیای تاک

(سعیدی ساروخانی، ۱۴۰۱: ۲۷۶)

یا له وتوو ویتۆکدا له گه‌ل ئاغهی خودایی خه‌لکی کرماشان ئه‌ل‌یت:

پرسیار ئاغهی خودایی : ئامیرزا وجدان ئه‌پرای ئینسان چشتی خووبیکه وجدانه‌ن میرزا ئه‌حمه‌د مافه‌وق بی یا تو؟
ولامی میرزا لطف اله : نه «استغفرالله» حه‌یفه من بده‌ی وه‌لوی میرزا ئه‌حمه‌دا وه‌للا وه شاگردی شاگردیچی نه‌ئه‌ووم. ئیسته‌ئه‌و ته‌شریفی بردگه‌ خوا درجه‌ی عالی کات، من ته‌عریفی خوُم بکه‌م خو په‌سندی پیشه‌ی شه‌یتانه تا من له خوُم ته‌عریف بکه‌م .

(سعیدی ساروخانی، ۱۴۰۱: ۲۷۵)

با توجه به آنچه ذکر شد اشعار میرزا احمد داواشی بسیار زودتر از طریق ضبط صوت و کاست در میان مردم پخش شده بود . لذا با توجه به علاقه عمیق میرزا لطف الله به شعر و ادب و داشتن حافظه قوی بسیاری از این اشعار نیز به همین طریق در اختیار ایشان قرار گرفته و در حافظه ایشان رسوب یافته و در مجالس مختلف آن روزگار آنها را در کنار اشعار خود می‌خواند. متأسفانه مصحح و گردآورنده دیوان میرزا لطف الله که اغلب اشعار را از روی کاست جمع‌آوری و ثبت نمود به این مهم بی‌توجهی نمودند، که همین امر سبب ایجاد آشفتگی در متون ادبی و شعری منطقه گردید.

به هر تقدیر میرزا لطف الله سعیدی که معمولاً او هم مانند میرزا احمد داواشی و دیگر میرزایان در ادب کوردی همواره در مجالس متعدد شرکت می‌کرد به خواندن اشعار مختلف می‌پرداخت و این اشعار هم در همان مجالس توسط ضبط صوت در نوار کاست ضبط و سپس انتشار می‌یافت. کسانی که برای اولین بار این اشعار را می‌شنیدند گمان می‌بردند که این اشعار تماماً متعلق به میرزا لطف الله سعیدی است، اما کسانی که آشنایی بیشتری

با اشعار شاعران منطقه داشتند بر این موضوع واقف بودند که این اشعار متعلق به میرزا احمد داواشی است و سالها زودتر در محافل بسیاری به کرات خوانده شده. تعلق این اشعار به میرزا احمد داواشی آنچنان روشن و اظهر من الشمس بود که احتمال خلط اشعار این دو شاعر چندان مورد انتظار و توقع نبود اما متأسفانه در سالهای اخیر (حدود سالهای ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۲) که اشعار میرزا لطف الله (میرزای جوانرو) چاپ و انتشار یافت با کمال تعجب بسیاری از اشعار میرزا احمد داواشی به ناروا به میرزا لطف الله نسبت داده شد. متأسفانه آقای غفار ابراهیمی، گردآورنده دیوان میرزا لطف الله (میرزای جوانرو) هنگام جمع آوری و انتقال اشعار از کاست های صوتی، هر آنچه را که میرزا لطف الله خوانده بود، به نام ایشان در دیوان آورده است. اگر این عدم احترام به حقوق و مالکیت معنوی را نخواهیم سرقت ادبی نام بگذاریم، باید آن را نوعی سهل انگاری ادبی و بی توجهی به میراث درگذشتگان قلمداد کرد که حقیقتاً سبب آشفته‌گی و دردسر محققین منطقه شده و در بسیاری از محافل ادبی زمینه ساز کدورت و اختلاف و نگرانی شده است. لذا اینجانب بر خود لازم میدانم که مطالبی را در این خصوص ذیلاً تقدیم دارم.

بیان مساله

بدینوسیله فهرست کلیه اشعار و مطالبی که سهواً از دیوان میرزا احمد داواشی توسط گردآورنده آقای غفار ابراهیمی در چاپ نوبت اول و دوم به دیوان میرزا لطف الله ساروخانی اضافه و انتقال یافته با ذکر عنوان و شماره صفحه قید گردیده است با توجه به مفاد مصاحبه حضوری با نامبرده، ایشان علت را عدم آگاهی و اشراف به مطالب و محتوا دیوان میرزا احمد داواشی عنوان نمودند و لذا در جلسهای با حضور چند نفر از کارشناسان (آقای مسعود قادری ریاست اداره فرهنگ و ارشاد جوانرود، آقای حسین محمدی داواشی، دکتر مصطفی جوانرودی ریاست دانشگاه پیام نور جوانرود و مدیر مسول انتشارات ماپریس، دکتر ارشاد رشیدی، آقای محمد رحیمی، خانم سعدیه محمدی و آقای غفار ابراهیمی گردآورنده دیوان میرزا لطف الله سعیدی) در اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی جوانرود تشکیل شد که در نتیجه آن مقرر گردید که در چاپ سوم دیوان میرزای جوانرویی هم در مقدمه و هم در پاورقی مطالب اخذ شده از دیوان میرزا احمد داواشی به صورت واضح [فونت مناسب و قابل خوانش] روشن و اشاره شود. علاوه بر این مقرر شد (مطالب مورد بحث با فونت مشخص از بقیه اشعار نوشته شود). بنابراین بر خود لازم میدانم جهت شفاف سازی موضوع و حفظ آثار گرانبهای گذشتگان این مرز و بوم و راهنمایی پژوهشگران در زمینه تحقیقات، این مطالب را تهیه و در اختیار عموم ادب دوستان قرار دهم. ر. ک. تصویر شماره ۱

علاوه بر مطالب فوق در نامه‌ای به تاریخ ۱۳۹۴/۴/۹ به خط ماموستا ملا احمد فخری امام جمعه شهر جوانرود که به پیوست خواهد آمد، ایشان و علمای هم‌دوره ایشان که همگی از شاگردان ماموستا شیخ محمد سعید نقشبندی بوده‌اند مالکیت معنوی دو شعر (ته‌وبه‌ی گورگ) و (حه‌جی پړیو) را از آن میرزا احمد داواشی میدانند. ایشان و دیگر ماموستایان منطقه روانسر و جوانرود که نامه پیوست را امضا نموده‌اند این دو شعر را با قطعیت از تراوشات ذهنی و آفرینش‌های ادبی مرحوم میرزا احمد داواشی می‌دانند. متن نامه ملا احمد فخری چنین است:

« اینجانب احمد فخری امام جمعه شهر جوانرود در سال ۱۳۳۴-۱۳۳۵ در روستای مراد آباد در خدمت استاد بزرگوار حاج شیخ محمد سعید نقشبندی طلبه بودم با برادران محترم ملا نورالدین زائبی و ملا فتح الله پرتوی و ملا سعدالله ظهیری و ملا سید جبار فرجی که جناب شادروان میرزا احمد محمدی معروف به داواشی که علاقه خوبی به طلاب دینی داشت و علاقه خاصی به جناب شیخ محمد سعید نقشبندی داشت، تشریف می

آورد و میان طلبه ها می نشست و با حضور ذهن و حافظه قوی که داشت از اشعار خود برای طلبه ها با صدای جالب و دلگیرش اشعار خود را قرائت می فرمود از جمله آنها کتاب [شعر] توبه‌ی گرگ و حج روباه را قرائت می کردند. و ما طلبه ها از آن استفاده می کردیم. [این مطالب] جهت یادداشت نوشته شد که انشاءالله رفع شبهه شود و کتابهای نامبرده به کسی دیگر نسبت داده نشود. والسلام علی النبی و آله الطاهرین و صحبه الصالحین احمد فخری. امضاء امام جمعه شهر جوانرود.

این نامه بعدها به وسیله ماموستایان نامبرده که در متن نامه عبارتند از ملا نورالدین زائبی، ملا فتح الله پرتوی و ملا سعدالله ظهیری و ملا سید جبار فرجی امضا و مطالب مرقوم در آن را مبنی بر تعلق دو شعر توبه‌ی گرگ و حج روباه به میرزا احمد داواشی را تایید کرده اند. ر.ک متن نامه تصویر شماره ۲

و نیز متن نامه‌ی شیخ عبدالعزیز خالصی و شیخ شهاب الدین خالصی خادمین تکیه‌ی طالبانی شهرستان پاوه چنین است :

از آنجا که مرحوم میرزا احمد داواشی ارادت خاصی نسبت به مرحوم پدرم جناب حاج شیخ نصرالدین خالصی داشتند در فاصله سالهای هزار و سیصد و سی و چهار تا هزار و سیصد و سی و پنج که برای دیدار به پاوه می آمد اشعار خود را برایمان خواند از جمله «توبه گرگ» و «حج روباه» را که بسیار زیبا و پرمعنا بودند بیان می نمود. بنابراین اشعار فوق الذکر اثر طبع میرزا احمد داواشی بوده و نباید به کس دیگر نسبت داده شود. امضای شهاب الدین خالصی و امضای عبدالعزیز خالصی در انتهای نامه . ر.ک متن نامه تصویر شماره ۳

قسمتی از دست خط میرزا احمد داواشی در شعر توبه‌ی گرگ. ر.ک. تصویر شماره ۴

قسمتی از دست خط میرزا احمد داواشی از شعر حج روباه. ر.ک. تصویر شماره ۵

فهرست اشعار و موضوعاتی که به اشتباه از دیوان میرزا احمد داواشی توسط گردآورنده آقای غفار ابراهیمی به دیوان میرزا لطف الله جوانرودی اضافه گردیده و اخیراً مبادرت به چاپ و نشر آن نموده است.

اینجانب حسین محمدی با قید صفحه و مورد در هر دو دیوان به آن اشاره می نمایم.

	شماره صفحه دیوان میرزا لطف الله جوانرودی	شماره صفحه دیوان میرزا احمد داواشی
1	در صفحه ۴۱ رجا و پارانپوه بیت اول صفحه و ۶ بیت آخر صفحه	از صفحه ۲۶ و ۲۷ دیوان میرزا احمد اخذ گردیده است.
2	در صفحه ۶۳ بهار و زمسان	از صفحه ۳۵۲ شه مال زهروورن دیوان میرزا احمد اخذ گردیده است.
3	صفحه ۶۷ دو بیت آخر	از صفحه ۱۲۴ بهدبهختی به ختم دیوان میرزا احمد اخذ گردیده است.
4	صفحه ۶۸، ۵، بیت اول و ۳ بیت آخر	از صفحه ۱۲۴ و ۱۱۴ بهدبهختی به ختم دیوان میرزا احمد اخذ گردیده است.
5	صفحه ۶۹ تمام ابیات	از صفحه ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۷ پیری و جوانی دیوان میرزا احمد اخذ گردیده است.
6	صفحه ۸۶ سه بیت آخر	از صفحه ۵۳۰ و ۵۳۱ مرسیه وکیل جوانرود دیوان میرزا احمد اخذ گردیده است.
7	صفحه ۸۷ بیت اول	از صفحه ۵۳۲ و ۵۳۳ مرسیه وکیل جوانرود دیوان میرزا احمد اخذ گردیده است.
8	صفحه ۹۶ بیت آخر	از صفحه ۱۸۹ شعر بهرزه چنار دیوان میرزا احمد اخذ گردیده است.
9	صفحه ۹۷ تمام صفحه ۱۱ بیت	از صفحه ۱۸۹ شعر بهرزه چنار دیوان میرزا احمد اخذ گردیده است.
10	صفحه ۹۸ بیت اول	از صفحه ۱۹۱ شعر بهرزه چنار دیوان میرزا احمد اخذ گردیده است.

11	صفحه ۱۱۳ سه بیت اول و بیت آخر	از صفحه ۳۵۴ شعر شه‌مال و ثاویهر دیوان میرزا احمد اخذ گردیده است.
12	صفحه ۱۱۴ تمام صفحه	از صفحه ۳۳۸ و ۳۳۹ شعر شه‌مال ثاماته‌ن دیوان میرزا احمد اخذ گردیده است.
13	صفحه ۱۱۶ تمام صفحه	از صفحه ۳۵۶ شعر شه‌مال و ثاویهر دیوان میرزا احمد اخذ گردیده است.
14	صفحه ۱۳۹، ۳ بیت آخر	از صفحه ۳۸۳ شعر سیزده به‌دهری تاقوسان دیوان میرزا احمد اخذ گردیده است.
15	صفحه ۱۴۰ چهار بیت اول	از صفحه ۳۸۴ شعر سیزده به‌دهری تاقوسان دیوان میرزا احمد اخذ گردیده است
16	صفحه ۱۸۵ پنج بیت اول	از صفحه ۱۹۴ شعر سیاپوش دیوان میرزا احمد اخذ گردیده است
17	صفحه ۲۰۰ و ۲۰۱	از صفحه ۱۹۰ و ۱۹۱ شعر به‌رزه چنار دیوان میرزا احمد اخذ گردیده است
18	صفحه ۲۰۱ و ادامه صفحه	از صفحه ۲۰۱ شعر ته‌قازای ئی‌عدام دیوان میرزا احمد اخذ گردیده است
19	صفحه ۲۳۳ و ۲۳۴	از صفحه ۵۲۹ و ۵۳۰ شعر مرسیه وه‌کیل جوانرو تاقوسان دیوان میرزا احمد اخذ گردیده است
20	صفحه ۲۷۸ و ۲۷۹	شینگیری فه‌تاح بیگ از اشعار میرزا احمد نمی باشد سند و منبع معتبر ارائه شود.
21	صفحه ۲۸۳	شینگیری ئه‌کبه‌ر خان از اشعار میرزا احمد نمیباشد سند و منبع معتبر ارائه شود.
22	صفحه ۲۸۴	شینگیری که‌ریم سلطان از اشعار میرزا احمد نمی باشد

شکارگاکانت گش بیساحیوه	ساناو ماته مه، شاوه په شپون
هرئان حازره نهم و خه م له لاش	مه خسووس ساراوه ن تا سه رکوی کلاش
کوی بالاخانی بی تو خاپووره	که وی و که موره هر دوو بینووره
تا ویران وه هوون که لان مه پشته	کون هه وای شکار سه رمله ی گه شتی
ماکوان گیره تا گهرمه زناو	وه کیل واده شه ن ته شریف بهر به راو
وه مهرگت هیمان هر هان وه ته مات	سهر قوله ی بازگیر هه سوونه ی کاوات
حه وشه زهره ساناو سه ننگ سی خران	سهر کوی پیر خزر، کاو گاقران
ههرمی شه وگه ی توفه نگیچیت یه کسه ر	که ل گولیچی ناوما ی چاشته وهر
سه دای مارده م توش نه ماوه پیوه	یه گشت له هه سره ت وه کیل په شیوه

از دیوان میرزا ته حمد داواشی مرثیه ی وه کیل از صفحه ۵۲۹ و ۵۳۰ اخذ گردیده است.

دیوان میرزا لطف الله صفحه ۲۰۲ و ۲۰۱ «تازیز وه خاو دیم» عنوان شعر

شه وی له شهوان تازیز وه خاو دیم	تازیز وه خاو دیم تازیز وه خاو دیم
شوریای شه ونم وهش بوی گولاو دیم	دو ده سه ی زلفان خه یاته ی خاو دیم
له تیر نه ندازی تورکان نه ته رسام	له گیان ویه رد م هه و آل لیش په رسام
ته کم دا وه لای له یل وه مه یله وه	به وی نه ی مه جنوون له غه م که یله وه
په شته ی له قای هه ق هه یی سوبحانی	واتم نه ی سه وزه ی سه فای سه رکانی
په روه رده ی کام شاخ بول نه ده ماخی	سه رو کام چه مه ن، سیف کام باخی
سیمورغ کام خوان هفت قوله ی قافی	به ت کام شه تی سو نه ی کام تافی
به دی ده و به دل مه ده ی په وشه نی	سه وزه ی کام سارای گول کام گولشه نی
وه ناز قاپی ناز له پرووم باز که ره	نازارم به ناز چه نیم ناز که ره

پښتنان پازان و نه رمه نه رمن
کال دهنګ وه بڼه نګ کردی که و او م
باز شکار که رو دیده ی شابازم

به ر ئاما به ناز له پهرده ی شهرمی
بڼه نګ وه دهنګی دایو جو او م
وات: نامم قه مهر نازکیش نازم

از صفحه ۲۰۲ دیوان میرزا ئه حمد داواشی اخذ گردیده است.

دیوان میرزا لطف الله صفحه ۲۰۱

له دار بالات سه راويزم که ن
دوچار عه زاب پرس تاخيزم که ن
وه تيغ نه بروت شق شقم که ران

له حلقه ی زلفت حلقاويزم که ن
وه نيش موژت بزمار پيزم که ن
وه به يانندا مهوله قلم که ران

از صفحه ۲۰۱ دیوان میرزا ئه حمد داواشی اخذ شده است.

دیوان میرزا لطف الله صفحه ۲۰۲

شه ستم خوارد وه بان قوله ی قافه دا
نه ويني خوري لي م چون زه هرمار

دهس کيشام وه بان سيم سافه دا
نا غافل سيمورغ لي م بي خه وهردا

از دیوان میرزا ئه حمد داواشی صفحه ۲۰۴ اخذ گردیده است.

شکوفه‌ی شیرین شه‌ونم چه‌شیده
هه‌رئان له به‌هار، هاله‌و ته‌لاره
تا ئازیز وه ناز سه‌رمه‌ست خه‌و وی
ده‌قی که لای ده له پرووی پیشانیش
یه‌خه‌ی که تـانـی لاده وه شرمـی
بـده ده‌ماخی تا دیـته خه‌وهر
سه‌د جار نه‌ک جارـی ماچ که ده‌س و پای
له تاسه‌ی چای چاو بی خاویه

نه‌مام نـۆبه‌ر تـازه رسـیده
ئوتاق شو خواب ئه‌و شه‌که‌ر باره
هه‌رکاری ئه‌که‌ی شه‌مال باشه‌و وی
په‌شیو که زلفان سیای په‌یحانش
شه‌مال ویت ئاسا ئاخیز که نه‌رمی
نسیمه‌ت وه بو‌ی شه‌وبوی ئاوییه‌ر
نسیمه‌ت وه مه‌یل بده له گۆنای
بی ده‌نگ بیژ دل‌به‌ر دل که‌واویه

از صفحه ۳۵۶ دیوان داواشی شعر شه‌مال ، ئاوییه‌ر کوردوستان میرزا ئه‌حمد داواشی اخذ شده است.

ئاغایان کنار خانم پیاده‌په‌و
عه‌رووسی شیرین شادی خوسره‌و بی
جه‌رگ جه‌وانان مه‌که‌رد وه بریان

نه‌یا ئولاغی دورشکه‌ بره‌و
بیایا بی بده‌و بده‌و بی
سه‌ر په‌تی سینگ تاق بال لوخت و عوریان

از صفحه ۳۸۴ دیوان میرزا ته‌حمد داواشی اخذ شده است.

دیوان میرزا لطف الله صفحه ۱۸۵

خورشید له شیوهی شوعلهی ماته‌مه‌ن	جه‌مینت چون جام، جه‌م نمای جه‌مه‌ن
شه‌که‌ر شه‌رمه‌نده‌ی شیرهی گو‌فتارت	ماه مه‌عزوور له پرووی ماه رو‌خسارت
لوو و په‌ر مه‌لوول له‌ب پر خه‌نده‌ته‌ن	نه‌رگس و شه‌وبۆ سه‌ر ئه‌فگه‌نده‌ ته‌ن
مرواری په‌شیو دانهی مرواریت	گو‌لباغی بی ره‌نگ گو‌نای گو‌لناریت
سیف بو سیفی زنج داخی له دلّه‌ن	عاقیق بو له‌عل لیوت خجلّه‌ن

از صفحه ۱۹۴ دیوان میرزا ته‌حمد داواشی اخذ گردیده است.

دیوان میرزا لطف الله صفحه ۹۷

گو‌لی وا نه‌ویه‌ن له هیچ گو‌لزاری	سیمای سیمین ته‌ن، سیمین عوزاری
شه‌که‌ر گو‌فتار و شیرین لوعبه‌تی	بالا نه‌مام و شیرین ته‌لعه‌تی
موشک ئه‌فشان نه‌ ده‌ور جام جه‌مین	ماه موشکین پۆش زلفان موشکینی
پشته‌ی له‌قای حق‌حیی سوبحانی	واتم هه‌ی سه‌وزه‌ی سه‌فای سه‌رکانی
په‌روه‌رده‌ی کام شاخ بو‌لّه‌ند ده‌ماخی	سه‌ول کام چه‌مه‌ن، سیف کام باخی
سیمورخ کام خوان هفت‌قوله‌ی قافی	به‌تی کام شه‌تی سو‌نه‌ی کام تافی
به‌ناز قاپی ناز له‌ پرووم باز که‌ره	نازارم به‌ ناز چه‌ نیم ناز که‌ره
پژن‌ا، رازان وه‌ نه‌رمه‌ نه‌رمی	به‌ر ئاما به‌ ناز له‌ په‌رده‌ی شه‌رمی
کام ده‌نگ وه‌ بی ده‌نگ کردی که‌واوم	بی ده‌نگ وه‌ ده‌نگی دایۆ جو‌واوم
باز شکار که‌رو دیدی شابازم	وات نامم قه‌مه‌ر ناز کیش نازم

به‌رزه له به‌رزیـــــــــــــــــم ئامـــــــــــــــــاوه له‌رزه
له‌رزانه‌ن وه بـــــــــــــــــای به‌رزی به‌رزه

چنار، چنارم ئامــــــــــــــــام وه به‌رزه
«ئه‌حمده» چون چنار ته‌ن وه له‌رزه‌وه

از دیوان میرزا ئه‌حمد داواشی صفحه ۱۸۹ اخذ شده است.

دیوان میرزا لطف الله صفحه ۱۱۴ و ۱۱۳

ته‌فریگای زومره‌ی خان و خاوانی
ئیل و ئه‌حشامات کۆمار وه کۆمار
به‌رز و دلنشین پر جه سه‌فایه
مه‌نزلگای شیرین شه‌که‌ر پازۆوه‌ن
ماچان سی مالن وان له یه‌ک ده‌وار
تۆ سه‌ر بکیشه وه کۆماجشان
ستوون ئه‌وه‌ل تا ستوون دوو
نیشانه‌ش ئیده‌ن وه شیوازوه
چه‌م سیوه‌نگی وه‌ن ئه‌تله‌س ره‌نگی وه‌ن
دل جه سه‌نگی وه‌ن یه‌ک فه‌ره‌نگی وه‌ن
قه‌د شمشالی وه‌ن شه‌و غه‌زالی وه‌ن

چه‌شمه وه چه‌شمه کانی وه کانی
مینگه وه مینگه هه‌وار وه هه‌وار
شه‌مال ته‌ی بکه مه‌شی وه‌جایه
فه‌زای فه‌رح به‌خش چه‌شم ئه‌نازیوه‌ن
پاسه‌م شنه‌فته وه قه‌ول گفتار
من ویم نمه‌ده‌م وه ئاماچشان
ئامانه‌ت فه‌رزه‌ن من مه‌ده‌م وه توو
بدارش وه چه‌م وه پیوازوه
کۆیچه چه‌نگی وه‌ن، شوخ و شه‌نگی وه‌ن
خال قه‌شه‌نگی وه‌ن مه‌یل وه جه‌نگی وه‌ن
نه‌و نه‌هالی وه‌ن سۆسه‌ن خالی وه‌ن

از دیوان میرزا ئه‌حمد داواشی صفحه ۳۳۸-۳۳۹ شه‌مال و ئاویه‌ر اخذ گردیده است.

دیوان میرزا لطف الله صفحه ۱۱۴

دَل هه راسـانـهـن دَل هه راسـانـهـن	شهـمال سـادهـی سا دَل هه راسـانـهـن
مهـرام مهـیلـش وه کوردوسـتانـهـن	ئهـگهـر مهـیلـت بو له لام ئاسـانـهـن
دَل ئارهـزوـش وه دین دیده مهـسانـهـن	ههـر شهـمال قاسـد نامهـرهـسانـهـن

از صفحه ۳۵۴ شهـمال و ئاویهـر دیوان میرزا ئهـحمد داواشی اخذ گردیده است.

دیوان میرزا لطف الله صفحه ۸۷

وات وه پـۆسهـم بهـگ با بواچوو پـیت	ئامان تو بشـۆ وه شکارگای ویت
من ویم هام وه بان کهلی تفهـنگـچی	گۆش مهـدهـم وه دهـنگ ئهـر ئاما ههـرچی
حسهـین و برزوو ماباقی نهـوکـهـر	ههـر یهـک، یهـک کاوی بگـیران وهـبهـر
ئهـنگوشتـم بهـن کرد له پـیشهـی ماشه	قهـرهـول له توـی سهـر سینه و لاشه

از دیوان میرزا ئهـحمد داواشی صفحه ۵۳۳ و ۵۳۳ و ۵۳۰ اشاره ای به اشعار داواشی نشده است.

دیوان میرزا لطف الله صفحه ۹۶

بهـرزه چناری، بهـرزه چناری	له بهـرزه هادیم بهـرزه چناری
----------------------------	------------------------------

از دیوان میرزا ئهـحمد داواشی صفحه ۱۸۹ اخذ گردیده است.

ديوان ميرزا لطف الله صفحه ٦٨

جواني بهار زمسان پيريهن وهى لهى بهدبهختى و دامان گيريهن

از ديوان ميرزا تهحمد داواشى صفحه ١١٧ اخذ شده است

ديوان ميرزا لطف الله صفحه ٦٨

ئهو بالاي عهرعر نهو نهمامهى نو خهم مهو مهو وينهى سياچو

از ديوان ميرزا تهحمد داواشى صفحه ١١٤ اخذ شده است

ديوان ميرزا لطف الله صفحه ٦٨

ئهو دهستهى زولفان خهياتهى خام تاو مهو وه پرهيحان پهژمهردهى بى ئاو

از ديوان ميرزا تهحمد داواشى صفحه ١٤١ اخذ شده است

ديوان ميرزا لطف الله صفحه ١٤١

پادشاهى شاهان پادشاهى بيچوون دنيا فانى كهر وه «كن فيكون»

از ديوان ميرزا تهحمد داواشى صفحه ٢٦ اخذ شده است

ديوان ميرزا لطف الله صفحه ١٤١

قهديم كاران كارسازى بيچوون دنيا فانى كهر وه «كن فيكون»

دیوان میرزائے حمد داواشی صفحه ۲۶ اخذ شده است

دیوان میرزا لطف اللہ صفحہ ۲۷

هـلنمای موشکیل به‌ستهی کارانی ئاگادار وه حال ده‌رده دارانی
فهرچ به‌خش وه قهلب پهریشان تونی هه‌کیم زامان دل‌ریشان تونی

از صفحه ۲۷ دیوان میرزا ئەحمد داواشی، اخذ شده است.

دیوان میرزا لطف اللہ صفحہ ۲۷

ٺه گهر ههر وهک ٺه سڀ پيگر مه که ما ناتسي ٽيه مل مامري خواه ما

دیوان میرزا ئەحمەد داواشی صفحه ۱۲۵ اخذ شده است.

دیوان میرزا لطف اللہ صفحہ ۶۸

له تهر ته خوات و نه خه في له وشک مياوي ناکا جاري له رووي مشک

از دیوان میرزا ئەحمەد داواشی صفحه ۱۲۴ اخذ شده است

دیوان میرزا لطف اللہ صفحہ ۶۸

له ئه‌وه‌ل ده‌فعه يانزده هه‌لتتري چه مايه‌ي ئه‌وي وه كه‌له‌شترى

از دیوان میرزا ته‌حمد داواشی صفحه ۱۲۵ اخذ شده است

دیوان میرزا لطف الله صفحه ۶۳

نه‌شیونی گول‌نگ سه‌رقه‌تاره‌کش نه‌زپینی چون زه‌نگ گوشه‌واره‌کش

از دیوان میرزا ته‌حمد داواشی صفحه ۳۵۲ اخذ گردیده است.

دیوان میرزا لطف الله صفحه ۴۲

ده‌عوه‌ت	کردشان	گرد	به	کومه‌یسوون	وه‌چهن	سیاسه‌ت	،	چهن	سیّحر	و	ئه‌فسوون
نه‌وکاران	ئه‌سیر	سه‌رداران	زه‌بوون		وه‌ختی	به‌ر	ئامان	جه	توی	کومه‌یسوون	
په‌یا	په‌ی	مه‌کهند	له‌ب	به	دندانش	یه‌کجار	حه‌بیّه	خان	په‌ی	فه‌رزه‌ندانش	
فه‌رزه‌ندانش	گشت	وینه‌ی	رؤسه‌ل	بی		نا	حه‌قش	نه‌بی	دلّزه‌ده‌ی	خه‌م	بی

از دیوان میرزا ته‌حمد داواشی صفحه ۶۶۸ اخذ شده است.

دیوان میرزا لطف الله صفحه ۶۹ تمام ابیات صفحه از دیوان میرزا ته‌حمد داواشی از صفحات ۱۱۴ و

۱۱۵ و ۱۱۷ اخذ گردیده است.

ئە وئ وە پووی سەنگ پاشۆرگەى حەمام	بئ زینەت مەبۆ لە لای خاس و عام
ئە و قەوس قەتران ئەبرۆى کەمانى	نمەدۆ شەوکەت شیۆەى جوانى
دوو چەم چون سوەیل پرشگ مەشانۆ	شەوق جە ھەسارەى شەفەق مەستانۆ
مەبۆ وە گردووی شکستەى بئ ناو	لە ھەسرەت پیری لیش مەبۆ زووخواو
ماجەرەى پیری ویتەورە بئ شۆن	مەبۆ وە زیوار بانەى کەوشە کۆن
موبتەلا وە دەرد بئ عیلاج ئەوین	لە بازارە دا ناپەرەواج ئەوین
کالای ئالای ناسینن وە مفت	سەودای پیری و جوانى ناوئ جفت
جوانى و پیری ھەر دوو دەمى وەن	ھەر ددوو گرفتار رشتەى خەمى وەن

این هشت بیت از دیوان میرزا ئەحمەد داواشی اخذ گردیده و هیچگونه اشاره ای هم به آن نشده است.

لازم به ذکر است که در دیوان میرزا لطف الله (میرزای جوانرویی) اشعاری از زبان میرزا لطف الله و میرزا احمد داواشی دو به دو ارائه شده است که گویا نشان می دهد که در در مجلس تعزیه مرحومان فتاح بیگ ولدبیگی و همچنین مجلس تعزیه کریم سلطان و مرحوم اکبر خان، این دو شاعر با هم به بیان شعر مرثیه و (شینگیپری) مشغول بوده اند، در حالی که در هیچ یک از منابع قدیمی معمرین چنین مطلبی نه ضبط شده و نه در جایی از کسی نقل شده است.

دیوان میرزا لطف الله صفحه ۲۸۷ و ۲۷۹ چه مەری یا شینگپیری فەتاح بە گ وە لەد بیگی با میرزا ئەحمەد داواشی سند معتبر و قابل قبول ارائه شود.

دیوان میرزا لطف الله صفحه ۲۳۸ چه مەری ئەکبەر خان ئەلایاری با میرزا ئەحمەد داواشی سند معتبر و قابل قبول ارائه شود.

دیوان میرزا لطف الله صفحه ۲۸۴ چه مہری کہریم سلطان با میرزا ئہ حمد داواشی سند معتبر و قابل قبول
ارائہ شود.

اشعاری کہ در دیوان میرزا لطف الله آمدہ است هیچکدام در دیوان میرزا ئہ حمد داواشی نیامدہ است و لذا
از نظر اینجانب حسین محمدی صحت ندارد.

نتیجه گیری

بر اساس آنچه که در این مقاله با مدرک و سند ارائه شد نتایجی به شرح ذیل به دست آمد.

در تصحیح و چاپ دیوان میرزا لطف الله سعیدی اشعار بسیاری از دیوان میرزا احمد داواشی به ناروا و غلط در این مجموعه چاپ شد که لازم است مصحح در چاپ سوم دیوان میرزا لطف الله آن را حذف کند.

این مشکل و ستم ادبی را خواه سرقت ادبی بنهیم یا بی توجهی و سهل انگاری ادبی، هرچه بود ظلم بزرگی بود در حق اشعار میرزا احمد داواشی و نادیده گرفتن حقوق معنوی آن شاعر ستم کشیده است. این کار ناروا علاوه بر تضییع حقوق معنوی مرحوم میرزا احمد داواشی، مایه تکدر خاطر خانواده ایشان و اصحاب فضل و هنر و ادب در استانهای کرمانشاه و کردستان و به ویژه شهرهای جوانرود و روانسر و پاوه گردید.

لیست بسیاری از ابیات و اشعار میرزا احمد داواشی (و نه همه آن) در این مقاله ارائه گردید که نشانهای از کم توجهی مصحح دیوان میرزا لطف الله به رعایت اصل امانت داری و وسواس ادبی است.

با توجه به اینکه میرزا احمد داواشی حدود بیست سال از میرزا لطف الله سعیدی بزرگتر بود (میرزا احمد داواشی متولد ۱۲۸۴ هجری شمسی و میرزا لطف الله سعیدی متولد ۱۳۰۴ هجری شمسی است.) و همین امر سبب شده بود که ایشان بسیار زودتر و پیشتر در حوزه شعر و ادب به اشتغال برسند. این تقدم زمانی و هنری و ادبی سبب شده بود که میرزا احمد داواشی همواره از احترام تقدم فضل و فضل تقدم برخوردار باشد و الحق مرحوم میرزا لطف الله به این فضیلت ها همواره معترف و مقرر بوده اند، چنانکه در این ابیات بیان کرده اند:

داخی گرانم بو میرزا ئه حمده	حیفه ساکن بوو وه گلکو و ئه لحه
شوکرانم به توّن فهردی ته نیای تاک	گهوه ره ئه حمده دی برده ژیری خاک

(سعیدی ساروخانی، ۱۴۰۱: صفحه ۲۷۶)

و به همین علت علاقه به شعر میرزا احمد، ایشان بسیاری از آن اشعار را در حافظه داشت و معمولاً در مجالس مختلف آنها را در کنار اشعار خود می خواند که متأسفانه هنگام جمع آوری دیوان اشعار، همه آنچه که قرائت

شده بود خواه متعلق به میرزا لطف الله سعیدی بوده یا خیر به نام ایشان چاپ و منتشر شد. این درحالیست که همین اشعار در سال های ۱۳۸۹ هجری شمسی (در دیوان میرزا احمد داواشی در ۶۹۱ صفحه) به وسیله حسین محمدی و همچنین در سال ۱۳۷۵ هجری شمسی در کتاب نسیمی شاهو (گزیده اشعار میرزا احمد داواشی) توسط حبیب الله کریمی چاپ شده و در اختیار همگان قرار گرفته بود.

طی نامه‌ای که از سوی علمای دینی منطقه به تایید و امضایشان رسیده بود و همچنین بر اساس ثبت اشعار میرزا احمد داواشی در دیوان میرزا احمد داواشی در سال ۱۳۸۹ و همچنین کتاب اشعار میرزا احمد داواشی با عنوان نه سیمی شاهو که در دهه هفتاد هجری شمسی به چاپ رسید مالکیت معنوی اشعار (توبه‌ی گورگ) و (حه‌جی ریوی) متعلق به مرحوم میرزا احمد داواشی است و هیچ تردیدی در این موضوع نیست که این اشعار از آفرینشهای ادبی میرزا احمد داواشی است.

سەرچاوه كان:

۱. ديوانى مىرزا ئەحمەدى داواشى كۆ كۆردنەوھى: حوسەين موحەممەدى و ھەبىبوﻻي كەرىمى
۲. ديوانى مىرزا لۇتف اللە سارۇخانى كۆكۆردنەوھى غەفار ئىبراھىمى
۳. شىرىت و نوارى كاست بە دەنگى مىرزا ئەحمەدى داواشى
۴. وئەيەك لە بىرو پرواى كەسانى كە مىرزا ئەحمەدى داواشى شىعرەكانى بۆ ئەوان خويندوھتەوھ وھ زانىارى خۇيان لە سەر شىعرەكانى بەيان كۆدوھ.

منابع:

۱. محمدی، حسین. (۱۳۸۹). دیوانی میرزا ته حمه دی داواشی، چاپ اول، تهران، نشر احسان.
۲. سعیدی، میرزا لطف الله. (۱۴۰۰). دیوان میرزا لطف الله ساروخانی: گرد آوری و تصحیح غفار ابراهیمی، انتشارات ماپریس، جوانرود.
۳. نمونه های نوار کاست از اشعار میرزا احمد داواشی در دست افراد شاخص منطقه
۴. نمونه ای از دستخط و تأییدیه افراد با سواد منطقه صاحب نظر که میرزا احمد در حضور آنها اشعار خود را قرائت نموده‌اند

بسمه تعالی

عطف به نامه مورخه ۱۴۰۲/۱۰/۳ به ریاست محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان جوانرود در مورد دیوان مرحوم میرزا احمد داواشی که تعدادی از مطالب و ابیات آن که بیش از یکصد و پنجاه بیت می باشد توسط گردآورنده دیوان میرزا لطف الله جوانرودی آقای غفار ابراهیمی به دیوان میرزای جوانرودی الحاق شده ، لذا باتوجه به مصاحبه حضوری با نامبرده و اظهار عدم احاطه و اشراف کامل به مطالب و مباحث دیوان میرزا احمد داواشی بر این اساس در تاریخ ۱۴۰۲ /۱۰/۲۱ ساعت ۱۰/۳۰ الی ۱۳/۳۰ صبح جلسه ای با حضور ریاست محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان جوانرود آقای مسعود قادری و ریاست محترم دانشگاه پیام نور جناب آقای دکتر مصطفی جوانرودی (و مدیر مسئول انتشارات مایریس) و آقای دکتر ارشاد رشیدی و آقای محمد رحیمی و اینجانب حسین محمدی و خانم سعدیه محمدی کارشناس ارشد کتابداری و علم سنجی از کتابخانه محمد رسول الله تشکیل و بعد از بحث و تبادل نظر در ساعت ۱/۳۰ ظهر ختم جلسه اعلام و مقرر و مصوب گردید که با توافق طرفین جهت رفع شبهه و شفاف سازی و حفظ امانت و آثار گرانبهای گذشتگان با قید مطالب و ذکر صفحات مندرج در پیوست صورت جلسه برای چاپ جدید دیوان میرزا لطف ال... جوانرودی هم در مقدمه و هم در پاورقی ها مطالب برگرفته از دیوان میرزا احمد داواشی به صورت واضح اشاره شود و مطالب مورد بحث با فونت مشخص از بقیه اشعار نوشته شود.

امضا و اثر انگشت افراد حاضر در جلسه

آقای مسعود قادری ریاست فرهنگ و ارشاد

آقای دکتر مصطفی جوانرودی ریاست دانشگاه پیام نور و مدیر مسئول انتشارات مایریس

آقای دکتر ارشاد رشیدی

آقای غفار ابراهیمی گردآورنده

آقای محمد رحیمی

آقای حسین محمدی نویسنده و شاعر

خانم سعدیه محمدی کارشناس ارشد کتابداری و علم سنجی

اینجانب احمد محمدرضا امام شهر جوانرود در ۱۳۴۴م الی ۱۳۵۴م در روستای حیدرآباد
خدمت استاد بزرگوار حاج شیخ محمد سعید نقشبندی طلبه بودم بابت در آن محترم مکتب
راشبی و ملائحت از پرستی و ملائحت از طهری و ملائحت از عروجی که جناب دروا
مردم میرزا احمد محمدی معروف به درویشی که علاقه خوبی با طلب دینی داشت
بود و از اوقات خاصه با جناب استاد نقشبندی داشت تهریف میاور و در میان
طلبه ها نشست و با حضور ذهن و حافظه قوی که داشت از اشعار خود برای
طلبه ها با صدای جالبی دلگشایی اشعار خود را قرائت میفرمود از جمله آنها
کتاب توبه گرگ و هیچ رعبه را قرائت میکردند و ما طلبه را آن استفاده
میکردیم اجابت میکرد داشت نوشته شد که آن در رفع شبهه بود و کتابها
نامیده به دیگر نسبت داده شود آن به واسطه علی الهی و آنکه کتابها
و صحبه الصالحین به دست خود استاد بزرگوار

۱۳۹۶/۹/۱۳
فصلت
کتابت شده به دست بزرگوار واقع
لواء الدین
۱۳۹۶/۹/۱۳

بسمه تعالی مراتب فوق الذکر تأیید می شود به جهت رفرجی
افزار حاج آقا محمدرضا و شهادت بزرگواران راشبی و فرجی
را دافعی می باشد و خود نیز به آن عصر از بنده را یاد می آورم غیر
کمال حکمت دارد و از روشهای حکری با کفای درویشی است و
برخی (الطی) (الطی) (الطی)

بسمه تعالی

از آنجا که مرحوم میرزا احمد داوآشی ارادت خاصی نسبت به

مرحوم پدرم جناب حاج شیخ نصرالدین خالصی داشتند در فاصله سالهای

هزار و سیصد و سی و چهار تا هزار و سیصد و سی و پنج که برای دیدار به پاود

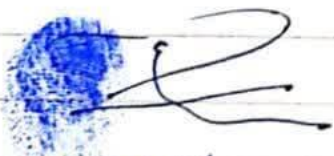
می آمد اشعار خود را برای بعضی خواند از جمله (توبه کرگ) و (حج روباه)

را که بسیار زیبا و پر معنا بودند بیان می نمود. بنا بر این اشعار فوق الذکر

اثر طبع میرزا احمد داوآشی بوده و نباید به کسی دیگر نسبت داده شود.

عبد الغفر خالصی

شهاب الدین خالصی



۱۴۳۱/۵



۱۴۳۱/۵

توبه گرگ از زهر لعل لعل
 گرگ لعل لعل لعل لعل
 که کردی چرخ چرخ چرخ
 تله گر تو زین و اما و
 ما جبار دنیا سر لعل داو و
 جفت و چیلو حق و اقرع دل بود
 له بریا گفت خاص گر تول بود
 هیز نه او بود و ز و نه
 دیوت خدا برگ ریلک محوره
 توان و طقت نه و لا لعل
 ز و نه اگر د بود و نه و نه

چقی زیر ملی گسوه نانی
 منصرف بود با رضای
 لعل دالور یک دی دول بود
 چاو و نیویا و دگان گول بود
 گلود الفت صورت لعل بود
 هر و ک کو انور کونه دوا کچ
 زوای گفت و لا کلا و
 کنا و هر یخ بجه کلا و
 دوک دار ز یک میش دایوه بنی
 یو کا نه قریز کونی

قو لک و قاتل بنو و سینه ای لعلات
 هر و ک سل گرگ و حال ایوم
 و هر فلا کگی و غار
 غار ناع مار تا نادیدار
 گفت له قاتل غار اینا لال در در
 دیوت توبه بی تا کتنای فر
 شرط به داله دور دنیا بهیم
 هر و ز و زیم لعل و نه و نه
 عمر یکم ما ویت له دنیا قاتل
 شرط صر فیم لعل و نه
 الی خوم هفت سال ترک یو یو
 غلامی می بر بزن یو یو

۲۱
رو با بچ فیتی از رتر طبع لهر محمد

یک روز و روز باران را و رسیه
ضرب و زور و ز ظلم صیادت دیده
سرد و گرم و نور و تاریکی
میشنان و سر و قوت کشیده
دره و دود و لویال بسا را الهی کرده
تا و جریره جبرایلی برده

خیالات خام بخمال ویش
له سر بر کرده بکمال ویش
گفت و خیالات بیثبات در بو
انفعال گشته عارست گریز بو
و دست طبیعت له در کار علاج

و اعلای کرد به بو و حجاج
و ارام نه بو و مرد حوا